

## پاسخ نامناسب سیاست کیفری در قبال مفاسد اقتصادی، چالشی فراروی پلیس

علی خانی<sup>۱</sup>، عباس شیری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۰۸

### چکیده

**زمینه و هدف:** ماموریت ناجا، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمروی جمهوری اسلامی ایران است. یکی از مهم‌ترین مسائل برای تهدید امنیت عمومی، وجود فساد به ویژه مفاسد اقتصادی است، بنابراین مقابله و مبارزه با این مفاسد از مهمترین وظایف پلیس است و این مهم زمانی امکان‌پذیر است که پاسخ جامعه در قالب سیاست کیفری به نحو مطلوب و موثر تنظیم و اجرا شود. هدف اصلی این تحقیق بررسی و تبیین کاستی‌های سیاست کیفری ایران در پاسخ به جرایم اقتصادی باتکیه بر ماموریت‌های پلیس است.

**روش:** این تحقیق از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. اسناد مورد مطالعه این تحقیق عبارت است از فعالیت‌های پژوهشی انجام شده در زمینه موضوع و قوانین مرتبط با جرائم اقتصادی که از سال ۱۳۱۲ تاکنون تصویب و اجرا شده‌اند.

**یافته‌ها و نتایج:** به دلیل عدم وجود سیاست کیفری منسجم در قبال مفاسد اقتصادی، این سیاست‌ها کمتر منجر به ناتوان سازی، تنبه و اصلاح مجرمین می‌شود، لذا پیشگیری خاص و عام از این مفاسد به نحو مطلوبی صورت نمی‌گیرد و به واسطه آن اقدامات پلیس و سایر نهادهای عدالت کیفری بی‌اثر می‌گردد و در نهایت، ماموریت پلیس در استقرار امنیت و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی به چالش کشیده می‌شود.

### واژه‌های کلیدی

سیاست کیفری، پیشگیری از جرایم، امنیت اقتصادی، مفاسد اقتصادی، وظایف پلیس

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول)؛ a.khani.law@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران؛ dr.a.shiri@gmail.com

## مقدمه

اقتدار مختلف مردم و مسئولین از روند برخورد با مفسد اقتصادی ناراضی بوده و اغلب مسامحه دستگاه قضایی و انتظامی را عامل اصلی گسترش مفسد اقتصادی می دانند، حال آنکه مبنای عملکرد دستگاه قضایی و انتظامی کشور، قوانین و سیاست گذاری های کیفری است؛ سیاست کیفری - به معنای پاسخ مبتنی بر کیفر جامعه در قبال قانون شکنان و متعرضین به حقوق جامعه - با هدف پیشگیری و کنترل پدیده های مجرمانه و بازگشت آرامش به جامعه با متنبه ساختن مجرمین، توسط مقنن وضع و توسط نهادهای عدالت کیفری اجرا می گردد. نگرانی مدیران ارشد کشور از پدیده مفسد اقتصادی و انتشار اخبار مرتبط با این حوزه گواه این مدعا است که مفسد اقتصادی با وجود جرم انگاری های تو- در تو همچنان به عنوان یک مسئله گریبان گیر جامعه ما بوده و آثار و تبعات آن حاصلی جز افزایش قانون شکنی های دامنه دار ندارد و این یعنی افزایش پایان ناپذیر حجم کاری پلیس که برابر قوانین، ماموریت برقراری نظم و امنیت را در جامعه چه به عنوان ماموریت ذاتی و چه به عنوان ضابط دادگستری بر عهده دارد.

یکی از اصلی ترین کارویژه های هر حکومتی نقش توزیعی آن در برخورداری عموم مردم از مواهب و منافع مادی و اقتصادی است که قاعدتاً با رعایت قوانین و مقررات حاکمیتی و به پشتوانه آن ها می بایست تامین شود. هر گونه خللی در این فرآیند صرف نظر از علل و عوامل آن موجب سلب اعتماد عمومی از حاکمیت و کاهش مشروعیت نظام حاکم شده و در یک چرخه معیوب با افزایش فساد و ناامیدی مردم از تامین منافع مادی و معنوی آنان، موجودیت نظام را به چالش کشانده و در صورت تداوم، موجب اضمحلال آن می شود. تاریخ گواه این مدعا است که سقوط بزرگترین امپراطوری ها ریشه در نارضایتی عمومی و شکاف طبقاتی داشته و یا با آن مرتبط است.

با این وصف، سوالی که این تحقیق قصد پاسخگویی به آن را دارد عبارت است از اینکه پاسخ سیاست کیفری ایران در قبال جرایم اقتصادی با چه کاستی‌هایی مواجه است و در این رهگذر به این سوالات پاسخ داده می‌شود:

۱. پاسخ نامناسب به جرایم اقتصادی چه تاثیری بر مأموریت‌های ناجا دارد؟

۲. آیا ناجا آمادگی لازم برای برخورد با جرایم اقتصادی را دارد؟

**مطالعات انجام شده:** با توجه به اقبال پژوهشگران کشورمان به بحث مفاسد اقتصادی از

جمله مطالعات مشابه انجام شده در سال‌های اخیر می‌توان موارد زیر را برشمرد:

صمدی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با موضوع جرایم اقتصادی، دریافت که بین فقر و جرایم اقتصادی رابطه علی دو طرفه برقرار است؛ یعنی برای کاهش جرایم اقتصادی، توجه هرچه بیشتر به بهبود وضعیت فقرا و برگزیدن سیاست‌های رشد به نفع فقرا ضروری است و همراه با توسعه اقتصادی باید سازوکارهای مناسبی برای جلوگیری از جرایم اقتصادی توسط نهادهای قانونگذار در نظر گرفته شود.

مهدوی‌پور (۱۳۹۰)، در رساله دکتری خود به افتراقی شدن سیاست کیفری در قلمروی جرایم اقتصادی با عنایت به پیشرفت فن آوری‌های نو پرداخته و این گونه نتیجه می‌گیرد که جرایم اقتصادی به خاطر ویژگی‌های خاصی که دارند، امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع را تهدید می‌کنند، به همین دلیل، مبارزه با این جرایم نیازمند سیاست کیفری خاصی از بعد ماهوی و شکلی است.

زمانی (۱۳۸۸) نسبت به بررسی ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی اقدام نموده و این گونه نتیجه گرفته که ظهور و بروز جرایم و مفاسد اقتصادی در جامعه و فعالیت‌های اقتصادی آن امری اجتناب ناپذیر است. مباحث اقتصادی علی‌رغم ماهیت پولی و مالی آن، مهم‌ترین تهدید برای امنیت ملی به شمار می‌آیند، غفلت و بی‌توجهی به کارکردهای جرایم اقتصادی، آسیب‌ها و تهدیدهای قابل ملاحظه‌ای پیش‌روی نظام قرار می‌دهد، و آثار زیانباری بر مقبولیت و مشروعیت آن دارد.

**مبانی نظری پژوهش:** سیاست کیفری مفهوم مضیقی از اصطلاح سیاست جنایی است و درحقیقت برگردان واژه معادل فرانسوی (Politique Criminelle) یا انگلیسی آن (Criminal Policy) است که برای بیان مفهوم آن ناچار به تبیین سیاست جنایی هستیم. فوئرباخ در زمره اولین دانشمندانی است که آن را به کار برده است. او سیاست جنایی را مجموعه اقدامات سرکوبگر و کیفری می‌داند که دولت از طریق آن‌ها در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد (لواسور<sup>۱</sup>، ۱۳۷۲). فون لیست معتقد است که سیاست جنایی برحسب یافته‌های فلسفی و علمی و طبق مقتضیات تاریخی کوشش می‌کند تا به تدوین نظریه‌های کیفری و پیشگیری از جرایم که در عمل مفید واقع گردند بپردازد. به اعتقاد وی جرم معلول عوامل فردی و اجتماعی بوده و لذا سیاست اجتماعی و جنایی را از یکدیگر احصاء و تصریح نمود موضوع سیاست اجتماعی (پیشگیری اجتماعی)، حذف کامل یا حداقل محدود ساختن شرایط اجتماعی جرم است. در حالی که سیاست جنایی در جایی که با بزهکار خاص سر و کار می‌یابد، نمایشگر مبارزه علیه جرم به وسیله تاثیر فردی علیه بزهکار است. و نهایتاً بر اساس دیدگاه مارک آنسل، سیاست جنایی بر مبنای مفهوم جدید آن پل ارتباطی بین حقوق جزا و جرم‌شناسی است (نوربها، ۱۳۷۷). به این ترتیب سیاست جنایی مترادف با جنبه‌های نظری و عملی اشکال مختلف کنترل اجتماعی جرم و انحراف متجلی می‌شود. حقوق کیفری اگرچه همچون هسته اصلی در سیاست جنایی حضور محسوسی دارد اما کاربست‌های کیفری در قلمروی سیاست جنایی دیگر تنها نیستند، بلکه حول آن‌ها شیوه‌های دیگر کنترل اجتماعی از نوع غیرکیفری، غیرسرکوبگر و گاه حتی غیردولتی وجود دارد. مطابق این معنا، سیاست جنایی عبارت از هنر یا استراتژی به کار گرفته شده در قواعد حقوقی و نهادهای نظام عدالت جنایی جهت پیشگیری و مبارزه علیه بزهکاری و اصلاح و درمان بزهکار می‌باشد (دلماس مارتی<sup>۲</sup>، ۱۳۸۱).

« کریستین لازرژ » سیاست جنایی را سلیقه قانون گذاران مختلف و انتخاب‌های آنان در انواع جرائم و مجازات‌ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم می‌داند، که تبلور آن در قوانین مختلف هر جامعه از جمله قوانین کیفری شکلی و ماهوی منعکس می‌شود (لازرژ، ۱۳۹۰) که الزاماً همه این مقررات و قوانین تصویب شده در راستای تعریف جرم و یا نحوه اعمال مجازات‌ها و یا چگونگی فرآیند شروع به تعقیب، کشف جرم، وظایف ضابطان و خلاصه آنچه که در قالب حقوق جزا قابل تعریف می‌باشد نیست، بلکه شامل کلیه اقدامات تقنینی جامعه: اولاً، برای کاهش آماج‌های جرم و ثانیاً، جرم‌انگاری و اعمال مجازات بر مجرمین و تبیین فرآیند اعمال آن را در برمی‌گیرد. پس کلیه مصوبات قانونگذار اعم از اینکه جرمی را تعریف و یا مجازاتی مقرر نماید یا صرفاً در راستای کاهش زمینه‌های ارتکاب جرم وضع شود، در قالب سیاست جنایی قرار می‌گیرد و آن بخش از سیاست جنایی که صرفاً به جرم‌انگاری در قالب حقوق جزایی جامعه و یا تبیین فرآیند انتساب جرم به متهمین و وظایف ضابطین و کادر قضایی و... در قالب آیین دادرسی کیفری می‌پردازد اصطلاحاً سیاست کیفری نامیده می‌شود که مفهوم بسیار مضیقی از سیاست جنایی است. با عنایت به مراتب فوق، سیاست کیفری دارای دو جنبه ماهوی (جرم‌انگاری، مسئولیت کیفری و واکنش‌ها) و شکلی (تشریفات رسیدگی، سازمان کیفری) است (مهدوی پور، ۱۳۹۰) که هر کدام در جایگاه خود نقش بسیار مهم و اساسی در دستیابی به اهداف قانونگذار و اثربخشی اقدامات انجام شده دارد.

تمام تلاش‌های مادی و معنوی بشر از توسل به علوم مختلف، تشکیل گروه، خانواده، حکومت، توسل به اخلاق و آموزه‌های آن، ایجاد هنجارها، تعریف قواعد... و نهایتاً توسل به جرم‌انگاری در حوزه‌های مختلف و ایجاد ضمانت اجراهای متعدد، همه و همه برای تامین آسایش، آزادی و رفاه و سعادت او بوده است. مجازات‌ها به عنوان پاسخ جوامع در دفاع از حقوق خود با دو هدف کلی: ۱. صیانت از ارزش‌ها و اخلاق عمومی و ۲. محوریت

کسب نتیجه، که همان بازگشت آرامش به جامعه در قالب بازدارندگی و پیشگیری از وقوع مجدد جرم توسط مجرم یا دیگران است، تشریح شده‌اند که اولی در قالب رویکرد اخلاقی و دومی تحت عنوان سودمندی کیفر در ادبیات علوم کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرند. کارکرد اخلاقی کیفر، در قالب تئوری سزاگرائی<sup>۱</sup> کیفر مطرح می‌شود که هم در سنت حقوقی ایرانی-اسلامی ریشه‌دار است و هم در سنت حقوقی-فلسفی غرب. در اندیشه سزادهی، مبنای واکنش، مکافات دادن به مرتکب با نگاه به توجیه‌کننده آن یعنی ورود خدشه به حریم اخلاق عمومی و ارزش‌های مورد تایید جامعه است، اما تئوری فایده‌مندی کیفر به عنوان جزئی از نظریه‌های عام نتیجه‌گرا بر غایت سودمندی مجازات متمرکز شده است و با دیدگاهی «آینده‌نگر» یا «غایت‌شناختی» تحصیل اهدافی در آتیه را به عنوان توجیه مجازات اعلام می‌دارد (کاتینگهام<sup>۲</sup>، ۱۳۸۶). به عبارتی در این تئوری در زمینه استفاده از مجازات به جای بازگشت به پشت سر به افق‌های پیش رو نگرسته می‌شود که اهداف زیر در آن متجلی است:

الف- عبرت‌آموزی و ارعاب‌انگیزی (بازدارندگی خاص و بازدارندگی عام)؛

ب- بازسازی اجتماعی مجرم و بازپروری او؛

ج- ناتوان‌سازی<sup>۳</sup> و حذف مجرمان (بولک، ۱۳۸۲).

خلاصه اینکه هدف اخلاقی با خصوصیات تاوان‌خواهی مجازات مرتبط است و هدف سودمندی متضمن به کار گرفتن مجازات در جهت پیشگیری اعم از عمومی و اختصاصی است.

به استناد ماده سه قانون تشکیل ناجا هدف از تشکیل این سازمان، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران است.

<sup>1</sup> Retribution

<sup>2</sup> Cottingham

<sup>3</sup> Incapacitation

امنیت از واژه عربی امن و به معنای خوف نداشتن، در امان بودن، راحتی و آسودگی گرفته شده است که می‌تواند اشکال و ابعاد مختلفی داشته باشد. باری بوزان، امنیت جامعه را دارای پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی دانسته است. از نظر ماندل، امنیت اقتصادی به میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تامین کالاها و خدمات، از مجرای عملکرد داخلی و حضور در بازارهای بین‌المللی اطلاق می‌شود (زمانی، ۱۳۸۸). ماموریت ناجا برابر بند ۸ ماده ۴ قانون تشکیل ناجا به عنوان ضابط قوه قضائیه، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مبارزه با منکرات و فساد، پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرایم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها، اجرا و ابلاغ احکام قضایی است.

وزارت اطلاعات نیز به عنوان ضابط قوه قضائیه در امر مبارزه با مفاسد اقتصادی کلان و غالباً در صورت تلاقی با امنیت ملی وارد عمل می‌شود، لیکن باید پذیرفت که ناجا چه به علت دارا بودن عنوان ضابط عام دادگستری و چه ماموریت ذاتی تامین امنیت کشور نقشی به مراتب پررنگ‌تر از وزارت مذکور در امر مبارزه با جرایم اقتصادی دارد.

عدم وجود یک تعریف قانونی موجب شده است تا در دکترین حقوقی کشورمان نیز نتوانیم تعریف واحدی از مفهوم جرایم اقتصادی ارائه نماییم؛ برخی آن را تحت عنوان مفاسد اقتصادی و برخی دیگر با نام جرایم اقتصادی تعریف می‌نمایند. قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی نیز به سکوت خود ادامه داده و در بیان جرایم مستثنی از مرور زمان در بند ۲ ماده ۱۰۹ قانون مذکور به صورت غیرمستقیم صرفاً به مصادیقی از جرایم اقتصادی (کلاهبرداری، رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات خارجی، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مامورین دولتی نسبت به دولت، جرایم گمرکی،

جرایم مالیاتی، پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی) اشاره کرده است.

## روش

روش این تحقیق با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی از نوع اسنادی بوده و از نظر هدف کاربردی است. اسناد مورد مطالعه این تحقیق عبارت است از فعالیت‌های پژوهشی موجود و قوانین مرتبط، که به فعالیت‌های پژوهشی در قسمت منابع و پیشینه تحقیق اشاره شده است. لیکن اهم قوانین مورد مطالعه عبارتند از: قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۸۲)، قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰)، قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی (۱۳۷۴)، قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری (۱۳۳۷)، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۱۳۷۴)، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (۱۳۶۷)، قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی (۱۳۱۵)، قانون امور گمرکی (۱۳۹۰)، قانون مبارزه با پول شویی (۱۳۸۶)، قانون مالیات‌های مستقیم (۱۳۶۶) و (۱۳۸۰)، قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی (۱۳۶۹)، قانون مجازات مرتکبین قاچاق (۱۳۱۲)، لایحه مبارزه با قاچاق (۱۳۹۰). در این تحقیق پس از گردآوری اطلاعات با فیش برداری و توصیف و تصویرسازی از شرایط موجود نسبت به تحلیل و تبیین چرایی وضعیت و ابعاد مسئله بر اساس تئوری‌ها و نظریات علمای حقوق کیفری اقدام، و پیشنهادهای لازم برای رفع نقایص موجود ارائه شده است.

## یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق مبتنی بر کاستی‌های سیاست کیفری، مشکلات سازمانی ناجا و ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی است که در ادامه به تفکیک به هر یک پرداخته می‌شود.



**۱) کاستی‌های سیاست کیفری:** از جمله کاستی‌های سیاست کیفری ایران در قبال مفاسد اقتصادی می‌توان به عدم تناسب مجازات‌ها، عدم سرزنش‌پذیری عمومی، عدم حتمیت و قطعیت مجازات‌ها، مسامحه در نگرارش قوانین و... به شرح ذیل اشاره کرد:

**عدم تناسب مجازات‌ها:** از منظر مکافات‌گرایی، عدالت اقتضاء می‌کند که مکافات و سزای عمل متناسب با خود عمل باشد. طبق نظر افلاطون رفتار برابر با نابرابرها موجب نابرابری است؛ و بر پایه نظر ارسطو درباره عدالت، بایستی با برابرها رفتار برابر و با نابرابرها رفتار نابرابر داشت. اصل تناسب در مجازات‌های اسلامی نیز با توجه به اینکه «ملاک عقوبت‌های اسلامی متنوع است»، از نظر میزان مجازات، برخلاف حدود، کمیت مجازات تعزیری به صلاحدید حاکم واگذار شده که بایستی متناسب با جرم و حال بزهکار باشد. با نگاهی به میزان مجازات‌های تعیین شده برای مصادیق جرایم اقتصادی در می‌یابیم که مجازات‌های تعیین شده، نه با قدیمی‌ترین معیار برای تعیین و ارزیابی مجازات‌های متناسب معیار صدمه وارده<sup>۱</sup> بر قربانی و جامعه، نه با تناسب غیر مقایسه‌ای، و نه با تناسب براساس توجه به جنبه ذهنی مرتکب همخوانی ندارند و نمی‌توان رویه واحدی در تعیین مجازات‌ها مشخص کرد.

**عدم سرزنش‌پذیری عمومی:** تامل در مجازات‌های تعیین شده در خصوص جرایم مالیاتی، جرم قاچاق کالا و ارز و همچنین جرم پولشویی که اخذ جریمه به میزان یک چهارم مبلغ موضوع جرم ملاک عمل است، و همین‌طور اتخاذ رسیدگی غیرقضایی به جرایم مالیاتی و قاچاق، نشان از کم‌توجهی قانونگذار به این حوزه سرنوشت‌ساز در مسیر توسعه عادلانه اقتصادی جامعه دارد که پیامی جز تردید قانونگذار و کم‌اهمیت جلوه دادن این جرایم برای مجرمین و عموم مردم نداشته و نهایتاً سرزنش‌پذیری عمومی آن را به نازل‌ترین سطح ممکن پایین آورده است. همچنین از دیدگاه مرتکبین قاچاق، علت مخالفت دولت با اعمال آن‌ها نه قبح عمل و آثار زیان‌بار آن، بلکه دریافت جریمه و یا باج

و باج خواهی دولت پنداشته می‌شود. حال اگر مشکلات اقتصادی مردم و عدم تامین معاش و ارتزاق آن‌ها که به دغدغه اصلی زندگی‌شان تبدیل شده است را به مسائل فوق اضافه نماییم و نمادهای مفسدانه‌ای چون حضور رانت‌خواران، آقازاده‌ها، نوکیسه‌ها و... را نیز در جامعه در نظر بگیریم به این نتیجه می‌رسیم که تلاش برای ارتزاق خانواده نه تنها امری مذموم و ناپسند نیست بلکه مخاطرات احتمالی آن برای افراد در پاره‌ای از موارد می‌تواند بسیار پسندیده و حتی مقدس جلوه نماید، خصوصاً اینکه اگر بدانیم «این جرم فاقد ریشه فقهی و شرعی است» (ساک، ۱۳۹۱) و جرم انگاری آن صرفاً در قالب احکام حکومتی و تنظیم مقررات دولتی است و علت اصلی بروز آن ناکارآمدی سیاست‌های دولت (صرف نظر از مشکلات قرارگرفتن در موقعیت جغرافیایی خاص و مسائل و مشکلات فرهنگی و سیاسی) است، دیگر قبحی برای ارتکاب این جرم برای افراد سالم اما نیازمند جامعه در صورت دسترسی و توان انجام این کار باقی نمی‌ماند. از طرف دیگر تبهکاران حرفه‌ای نیز که در پی فرصت‌اند تا هم از خلاءهای قانونی و هم میل و رغبت مجرمین خرده پا نهایت سوء استفاده را نمایند، با گسترش این پدیده، اندک قبح باقی مانده را نیز در سایه سود و منافع سرشار به فراموشی می‌سپارند.

سستی اراده قانونگذار برای مواجهه با جرم فراملی پولشویی (به معنای نقطه عطف و مرحله پایانی کلیه اعمال مجرمانه اقتصادی که همانا قانونی نشان دادن ثروت‌های غیر قانونی است)، از دیگر نکات قابل توجه در این زمینه است که با اندک تاملی در مواد قانون مبارزه با پولشویی، می‌توان دریافت که حتی با نگاه کاملاً خوشبینانه نمی‌توان قانون فوق را واجد ویژگی‌های لازم برای بازدارندگی و حتی شماتتی در خور قبح عمل و آثار مخرب آن بر اقتصاد و حیثیت کشور دانست.

**عدم حتمیت و قطعیت مجازات‌ها:** «بکاریا» متّصف شدن مجازات‌ها به ویژگی حتمیت و قطعیت یا به عبارتی اطمینان جامعه از اجرای کیفر را ضامن کارکرد ارعابی آن

می‌داند (پرادل<sup>۱</sup>، ۱۳۸۱) و به همین دلیل قانونگذاران را به حذف مجازات‌های شدید از زرادخانه کیفری‌شان و توجه به قطعیت و حتمیت مجازات‌ها فرا می‌خواند (نوربها، ۱۳۸۱)، اما این مهم در قوانین مرتبط با جرایم اقتصادی در پاره‌ای از موارد رعایت نشده است: بعضی از مواد قانونی مانند ماده ۵۲۱ ق.م.ا (۱۳۷۵) و شمول نهادهایی مانند تعویق مجازات (فصل پنجم-ماده ۴۰)، تعلیق اجرای مجازات (فصل ششم-ماده ۴۶)، آزادی مشروط (فصل هشتم-ماده ۵۸)، مجازات‌های جایگزین (فصل نهم-ماده ۶۴) و عفو و توبه (مبحث اول فصل یازدهم-مواد ۹۶-۹۸) بر جرایم اقتصادی موجب می‌شود تا حتمیت و قطعیت مجازات‌ها نیز به طور مایوسانه‌ای رنگ ببازد.

**مسامحه در نگارش قوانین:** در بسیاری از قوانین نمی‌توان به رویه ثابت و مشخصی در برخورد با جرایم اقتصادی دست یافت، به عنوان مثال، از مقایسه ماده ۳ و ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری این سوال به ذهن متبادر می‌شود که چرا کلاهبرداری جزئی یک کارمند دون پایه دولتی، و بدون ارتباط با وظایف شغلی مستلزم انفصال دائم، و ارتشاء کلان او به منظور انجام امری برخلاف وظایف شغلی مستلزم انفصال موقت است؟ (مهدوی‌پور، ۱۳۹۰) و این که چرا برای اختلاس کمتر از ۵۰۰ هزار ریال برای نظامیان در ماده ۹۴ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸، انفصال پیش بینی نشده است، حال آنکه در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، اختلاس حتی کمتر از پنجاه هزار ریال نیز مستلزم انفصال موقت کارکنان دولت و در خصوص مدیران کل و رده‌های هم‌تراز آنان موجب انفصال دائم از خدمت می‌شود. در صورتی که نظامیان می‌بایست از سلامت و صحت عمل بیشتری نسبت به سایر کارکنان دولت برخوردار باشند و با وجود اصلاح قانون در ۱۳۸۲/۲/۹ متأسفانه اختلاس تا سقف ۱۰ میلیون ریال نیز مجازات انفصال از خدمت نداشته و تنها به تنزیل درجه اکتفا شده است.

---

<sup>۱</sup>Pradle

چرا بدون هیچ منطق مشخصی، مجازات انفصال در مواردی مانند جرم رشاء زمانی که مرتکب خود نیز مقام عمومی یا از مامورین به خدمات عمومی باشد، مانند مداخله غیر مجاز در معاملات و داوری‌های عمومی (قانون منع مداخله... ۱۳۳۷)، اخذ پورسانت در معاملات عمومی خارجی (ماده واحده ۱۳۷۲) و تصرف غیر قانونی، تدلیس و سوءاستفاده در معاملات عمومی (مواد ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۳ ق.م.ا) به کلی فراموش شده است؟

**عدم تمایل به تعقیب کیفری:** در برخی از مواد قانونی مانند ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، با وجود اعلام برخی ممنوعیت‌ها ضمانت اجرایی برای آن وضع نشده است و یا در برخی موارد، قانونگذار با قرار دادن شرط و شروط متعدد عملاً توسل به کیفر و تعقیب کیفری را منتفی ساخته است؛ مانند ماده یک قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ در خصوص ممنوعیت فعالیت موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز؛ در این قانون، با وجود اینکه این موسسات مالی در سال‌های اخیر موجب متضرر شدن اقشار کثیری از مردم و دولت شده‌اند، پس از کلی قلم فرسایی، توضیح، تفسیر و تبیین، نهایتاً در تبصره چهارم این قانون، پس از قرار دادن شروطی سعی شده برای آن مجازات تعیین شود، لیکن باز به علت تردید ناشی از این اقدام، اعمال مجازات بر متخلفین را منوط به شکایت بانک مرکزی قرار داده است؛ این در حالی است که وقوع چنین تخلف‌هایی خود حکایت از عدم نظارت صحیح بانک مرکزی بر فعالیت این موسسات دارد و طبیعتاً به واسطه نبود نظارت قبلی طرح شکایت نیز یا منتفی است یا احتمال اعمال نظر در آن متصور است و جالب تر اینکه مجازات مرتکبین چنین عمل سنگینی که غالباً نتیجه آن بی انضباطی مالی در سطح کلان جامعه است، حبس تا شش ماه تعیین شده است. همچنین در مورد مرتکبین قاچاق کالا و ارز نیز، پرداخت جریمه مانع از تعقیب کیفری است و در برخی از جرایم مالیاتی و جرم پولشویی، تنها پرداخت جریمه نقدی پیش بینی شده است.

**عدم توجه به اصلاح و باز اجتماعی کردن مجرمین:** از جمله اهدافی که برای مجازات‌ها بیان می‌شود، اصلاح و تربیت مجرمان است. مطالعه اندیشه‌های بشری حکایت از قدمت و دیرینگی ایده اصلاح مجرمان دارد، به گونه‌ای که در آراء فیلسوفان شهیر یونان مانند افلاطون و ارسطو و آنچه از جوامع باستان گزارش شده است، نیز این مهم دیده می‌شود (کولمن<sup>۱</sup>، ۱۳۷۶). براساس آراء و دیدگاه‌های فیلسوفان حقوق کیفری و جرم‌شناسان، راهبردها و روش‌های اصلاح مجرمان را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

الف) اصلاح مجرمان از طریق مجازات کردن؛

ب) اصلاح مجرمان از طریق تدابیر ضمن مجازات حبس؛

ج) اصلاح مجرمان با استفاده از مجازات‌های اصلاحی - تربیتی غیر از زندان؛

د) اصلاح مجرمان از طریق روش‌های غیر کیفری.

بانگاهی به مجازات‌های تعیین شده در قبال جرایم اقتصادی می‌توان گفت اصلاح از طریق مجازات‌های تعیین شده به دلایل ذیل با چالش‌های اساسی روبرو است:

- در مجازات‌هایی مانند آنچه که در قانون مبارزه با اخلاک‌گران اقتصادی شاهد هستیم که با اعدام فرد به زندگی او خاتمه می‌دهند، عملاً اصلاح منتفی است؛
- توسل به اخذ جریمه در جرایمی چون پولشویی، قاچاق کالا و ارز، تصرف غیرقانونی و جرایم مالیاتی به علت فقدان جنبه ترغیبی، تزدیلی این مجازات‌ها مانند جرایم مالیاتی که حتی اطلاق مجازات نیز با تردید مواجه است و عملاً نه تنها اصلاح متصور نیست بلکه موجب تجری مجرمین نیز می‌شود؛
- با توجه به عدم پیش‌بینی تدابیری خاص در خصوص مجرمین اقتصادی زندانی و عدم وجود تدابیر خاص زندانبانی، بیشتر زندان‌ها تبدیل به مراکز مهارت افزایی مجرمین می‌گردد و زمینه همکاری‌های بعدی زندانیان را فراهم می‌نماید؛

▪ مجازات‌های مکمل نیز صرف نظر از نحوه و چگونگی صحت اجرای آن به علت داشتن جنبه اختیاری در خصوص همه مجرمین اعمال نمی‌شوند.

**(۲) مشکلات سازمانی ناجا:** از جمله موانع برخورد با جرایم اقتصادی، مشکلات سازمانی ناجا است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

**تعدد و کثرت وظایف و مأموریت‌های محوله:** برابر قانون برای ناجا بیست و شش وظیفه کاملاً متمایز و متفاوت تعریف شده است که اقدام در مقام ضابط دادگستری تنها یکی از این وظایف و مبارزه با جرایم اقتصادی تنها یکی از مصادیق مجرمانه است. بنابراین یکی از مشکلات اصلی این سازمان در انجام وظایف محوله، کثرت وظایف تعیین شده است؛

**فقدان آموزش و وجود نیروهای متخصص:** اگرچه نیروی انتظامی اقدام به تشکیل دایره مبارزه با جرایم اقتصادی در ادارات آگاهی نموده است که وظیفه کشف جرایم اقتصادی و تعقیب متهمان را بر عهده دارد (روستایی، ۱۳۸۸؛ ص ۱۹) اما چون این مأمورین بیشتر به تجربیات خود اکتفاء نموده و آموزش‌های تخصصی را در امور اقتصادی ندیده‌اند و اینکه دوایر مذکور در شهرها و بخش‌های کوچک‌تر به علت محدودیت‌های ساختار سازمانی اصلاً وجود خارجی ندارد، عملاً نمی‌توانیم بگوییم پلیس تخصصی مبارزه با جرایم اقتصادی به معنای واقعی آن و به صورت فراگیر وجود دارد.

**(۳) ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی:** برخی مشکلات موجود نیز به ماهیت جرائم اقتصادی برمی‌گردد.

**پیشگیری از جرایم اقتصادی:** پیشگیری عالی‌ترین و آرمانی‌ترین هدف نظام‌های کیفری است و شامل آن دسته از تدابیر سیاست‌جنایی است که به شکل کیفری و غیرکیفری درصدد کاهش میزان بزهکاری است که بر حسب زمان مداخله، به دو نوع کنشی و واکنشی تقسیم می‌شود. پیشگیری کنشی، به تدابیر پیشگیرانه‌ای گفته می‌شود که قبل از

وقوع جرم با هدف جلوگیری از ارتکاب جرم و یا کاهش ضرر و زیان ناشی از آن اتخاذ می‌شود و دو نوع است یکی «پیشگیری اجتماعی» که از جرم به روش اصلاح جامعه مانند نظام اجتماعی، خانواده، آموزش و پرورش، اقتصاد و پرورش افراد در فرآیند جامعه پذیری آن‌ها جلوگیری می‌کند و دیگری «پیشگیری وضعی» است که از گذر کاهش فرصت و موقعیت‌هایی که ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند، تحقق می‌یابد (روستایی، ۱۳۸۸). پیشگیری در مفهوم عام و موسع، هر اقدامی را شامل می‌شود که باعث کاهش وقوع جرم گردد. در این معنا، یکی از انواع پیشگیری پیشگیری کیفری است که در سایه کشف جرم، تحقیق، تعقیب و مجازات مجرمان حاصل می‌شود (ضرغامی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۷). با توجه به تنوع جرایم اقتصادی شاید بتوان با تجهیز پلیس، افزایش نظارت بر مبادی رسمی و غیررسمی ورود و خروج کالا، بر جرمی چون قاچاق کالا نظارت نمود و با افزایش ریسک، ارتکاب آن را برای مجرمین دشوار ساخت، لیکن در سایر جرایم اقتصادی به خاطر اینکه به صورت پنهان و در محیط‌های بسته ادارات دولتی و بنگاه‌های مالی و مانند آن ارتکاب می‌یابند، عملاً اقدامات سنتی پلیسی کارآیی خود را برای پیشگیری از جرایم اقتصادی از دست می‌دهد.

**کشف جرایم و تحقیق از مجرمین:** جرایم اقتصادی نوعاً بزه دیده مشخصی ندارند و اثرات سوء آن‌ها در میان افرادی پخش و توزیع نشده و افکار عمومی را تحریک نمی‌کنند، مرتکبان این جرایم اغلب افرادی حرفه‌ای، زیرک و دارای نفوذ هستند، که با کمک دانش و یا اطلاعات مبتنی بر رانتی که در زمینه امور اداری و اقتصادی دارند مرتکب جرم می‌شوند، ... همه این ویژگی‌ها سبب می‌شود تا پلیس به ندرت به عملیات به ظاهر قانونی آن‌ها مشکوک شود یا اینکه به تحقیق و تفحص اصولی دست بزند.

**دستگیری و حفظ آثار و دلایل:** جرایم اقتصادی غالباً به صورت غیرمشهود صورت می‌گیرند (که پلیس راساً حق دستگیری و بازداشت در این جرائم را ندارد) و در بیشتر مواقع نیز پلیس و سیستم قضایی به علت نبود شاکی از وجود آن بی‌خبر می‌مانند. همچنین

برخی معذوریت‌های فنی و تخصصی، قانونی، سیاسی، فرهنگی و حتی شغلی مانع از آن می‌شود که شخص متنفذ سیاسی و اجتماعی حتی اگر به صورت آشکار اقدام به ارتکاب جرمی اقتصادی با توجه به ویژگی‌هایی که اشاره شد بنماید، اولاً تشخیص داده شود و ثانیاً به موقع توسط مامورین دستگیر و یا آثار و دلایل جرم ضبط و جمع آوری شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

بنتام که پیشگیری خاص و عام را با اجرای کیفرها عملی می‌بیند برای کاهش نرخ جرایم، راهکاری سه گانه شامل از بین بردن قدرت و توانایی شخص برای ارتکاب جرم، از بین بردن تمایل و خواست ارتکاب جرم و نهایتاً توسل به ارعاب را پیشنهاد می‌نماید که این امر مستلزم وجود یک برنامه منسجم کیفری و در گرو رعایت اصولی چون تناسب مجازات‌ها، حتمیت و قطعیت در اجراء، مقبولیت و سرزنش‌پذیری عمومی و اصلاح و بازپروری مجرمین می‌تواند محقق گردد که متأسفانه به علت عدم تحقق این شرایط سیاست کیفری ما در مقابل جرایم اقتصادی عملاً از بازدارندگی لازم برخوردار نیست.

به لحاظ مشکلات سازمانی و چالش‌های موجود، ناجا در تامین امنیت کشور با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند که آثار منفی پاسخ نامناسب سیاست کیفری، به چالشی مضاعف در راه تحقق ماموریت‌های ناجا بدل شده است.

مبارزه با جرایم اقتصادی جز از رهگذر نهادهای مستقل، متخصص و کارآمد در مرحله کشف، تحقیق، تعقیب و رسیدگی امکان‌پذیر نیست زیرا جرایم اقتصادی ویژگی‌های منحصر به فردی دارند؛ چراکه نمی‌توان آن‌ها را در ردیف جرایم سنتی، نظیر قتل و سرقت قرار داد. از این رو رسیدگی به این گونه جرایم مستلزم وقوف علمی به طبیعت و انواع آن‌ها است و کسب آگاهی تجربی از طریق رسیدگی عملی به پرونده‌های اقتصادی، شیوه مناسبی برای تسلط بر جرایم مذکور نیست (حسینی، ۱۳۸۸). لذا ناجا از آمادگی لازم برای مقابله با این جرایم برخوردار نیست. اگرچه باید پذیرفت قبل از هر اقدام قهرآمیزی اصلاح فرآیندهای اداری و مالی کشور باید مورد توجه قرار گیرد و توجه صرف به مجازات و



اعمال قهرآمیز مفید به فایده نخواهد بود و به موازات اصلاحات ساختاری و مدیریتی به نظر می‌رسد با رعایت پیشنهادات زیر بتوان مشکلات موجود در حوزه سیاست کیفری و برخورد قهرآمیز با این جرایم را مرتفع نمود:

- اصلاح قوانین براساس یک سیاست کیفری افتراقی متناسب با ابعاد و آثار مفاسد اقتصادی؛
- اتخاذ رویه‌ای واحد و مشخص در تعیین جرایم و مجازات مفسدین اقتصادی؛
- استثناء سازی مجرمین اقتصادی از نهادهایی که به هر نحو حتمیت و قطعیت مجازات را نشانه می‌گیرند؛
- برقراری مجازات‌های مناسب و توجه به اصل فردی کردن مجازات‌ها، اصلاح، کنترل و نهایتاً ناتوان سازی مجرمین؛
- اقتدار و جدیت در مجازات بزهکاران حرفه‌ای به ویژه مجرمین یقه سفید؛
- اتخاذ تدابیر مراقبتی بعد از آزادی از زندان، مجرمین اقتصادی؛
- ایجاد پلیس یا نهاد تخصصی ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی براساس اقتضانات جرم‌یابی این جرایم.

## منابع

- پرادل، ژان (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و نشر یلدا (نشر اصلی اثر ۱۹۸۹).
- حسینی، سیدحسین (۱۳۸۸). درآمدی بر مدیریت پیشگیری از جرایم اقتصادی، مجموعه مقالات ملی همایش پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه جلد دوم، مشهد: نشر میزان.
- دلماس مارتی، می‌یری (۱۳۸۱). درآمدی بر نظام‌های بزرگ سیاست‌جنایی. (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم)، تهران: نشر میزان (نشر اصلی اثر ۲۰۰۰).
- ساکی، محمد رضا (۱۳۹۱). حقوق کیفری اقتصادی، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- صمدی، علی حسین (۱۳۸۹). مقاله جرایم اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و توسعه، تهران: نشریه جستارهای اقتصادی شماره ۱۴. صص ۹۲-۶۹.
- کولمن، کاوینگتن (۱۳۷۶). روان‌شناسی نابهنجار و زندگی نوین، (کیانوش هاشمیان، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (نشر اصلی اثر ۱۹۸۰).
- لازرژ، کریستین (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست جنایی، (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم) تهران: نشر میزان (نشر اصلی اثر ۲۰۰۰).
- مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۰). سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران: انتشارات سمت.
- نوربها، رضا (۱۳۷۷)، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، تهران: نشر دادگستر.
- روستایی، مهرانگیز (۱۳۸۸)، ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرایم اقتصادی، فصلنامه کارآگاه شماره ۷.
- زمانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی، تهران: نشریه کارآگاه، دوره دوم، سال دوم، شماره ۷،
- ضرغامی، فرید (۱۳۸۷)، تعامل پلیس و دادسرا در پیشگیری از وقوع جرم، مجموع مقالات اولین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، تهران: معاونت آموزش ناجا.
- لواسور، ژرژ (۱۳۷۲). سیاست جنایی، (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). تهران: مجله تحقیقات حقوقی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۲-۱۱ (نشر اصلی اثر ۱۹۷۱).